

وقتی باد بودجه را بخوابانیم!

نوشته دکتر هوشنگ طالع

هدف این مقاله ارائه یک بحث جامع علمی پیرامون لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ کل کشور نیست، بلکه تنها پاره‌ای ملاحظات با توجه به تطور بودجه‌نویسی در ۲۰ سال گذشته، مورد بررسی قرار می‌گیرد. باید یادآور شوم که نه بودجه بدون کسری لزوماً بودجه‌ی خوبی است و نه کسری بودجه، لزوماً پدیده بدی است. بودجه‌ی خوب آن است که در «میان مدت» یعنی در مدتی که یک دوره‌ی رونق و یک دوره‌ی رکود اقتصادی را شامل می‌شود، از تعادل برخوردار باشد. در دوران رونق، درآمدهای بودجه بر هزینه‌ها فزونی دارد تا از ایجاد تورم جلوگیری کرده و یا از بار آن بکاهد. در دوران رکود، هزینه‌ها بیشتر از درآمدهاست. این امر کوششی است در زمینه‌ی خارج کردن اقتصاد از مرحله‌ی رکود. اما، باید یادآور شوم که مسأله دارای ابعاد پیچیده‌تری است و آنچه گفته شد، تنها صورت ساده‌شده‌ی مسأله است.

در عین حال لازم است به یاد داشته باشیم که در کشور ما، از سالها پیش امر بودجه‌بندی پیش از آنکه یک مقوله‌ی اقتصادی باشد، مقوله‌ای سیاسی بوده و هست. در نتیجه، بودجه‌ها نه بر اصول علمی و کارشناسی و با توجه به خط مشی‌های اساسی کشور و استراتژی دراز مدت توسعه، بلکه در قالب دستورهای صادره از بالا، تنظیم شده‌اند و می‌شوند.

با این مقدمه‌ی کوتاه، بحث گسترده‌تر پیرامون تاریخچه، تطور بودجه‌بندی در ایران و نیز بودجه‌ی سال ۱۳۷۶ را به فرصت بعدی موکول کرده و در این جا تنها چند ملاحظه‌ی کلی را مطرح می‌کنم.

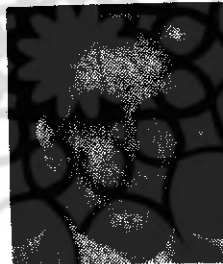
احساس میلیونر بودن

روزانه عده‌ای از هم میهنان ما برای انجام کارهای بازرگانی، جهانگردی یا دریافت روادید برای سفر به آمریکا و یا اقامت در کانادا، به ترکیه مسافرت می‌کنند. این دسته از هم میهنان ما به محض این‌که از پلکان هواپیمای پایین می‌آیند و یا این که اتوبوس حامل آنها بعد از ورود به ترکیه در کنار اولین قهوه‌خانه توقف می‌کند، دچار احساس «میلیونر بودن» می‌شوند. آنان با مراجعه به صرافی‌ها، برابر هر دلار آمریکا، کمابیش ۱۰۵ هزار لیر ترک، دریافت می‌کنند (این نرخ مربوط

به روزهایی است که مقاله تنظیم می‌شد. زمانی که شما مقاله را می‌خوانید شاید به ۱۱۰ هزار لیر هم رسیده و یا از مرز آن هم گذشته باشد). هم میهنان یاد شده که هر کدام دست کم هزار دلار همراه دارند، یکبار به یک حساب سرانگشتی به این نتیجه می‌رسند که صاحب یکصد و پنج میلیون (۱۰۵۰۰۰۰۰۰) لیر ترک هستند. و طبیعی است که برخی از آنان که خوش باورند و به‌لاز قانونمندیهای اقتصاد آگاهی ندارند دچار این احساس شوند که به جرگه میلیونرها پیوسته‌اند!

احساس تریلیاردر بودن

انسان وقتی ارقام بودجه‌ی سالهای اخیر را می‌شنود، در آغاز نمی‌تواند به گوشه‌های خود اطمینان کند. سخن از ارقامی است که در جاهای دیگر جهان



تاریخچه بودجه‌بندی در ایران

مردم به سادگی شباه آنها را نمی‌شنوند. گویندگان صدا و سیما، با این که ارقام را برایشان به حروف نوشته‌اند و در نتیجه می‌توانند براحتی بخوانند، هر از گاهی در برابر عظمت این ارقام، نفس در سینه‌شان می‌گیرد و دچار کندی گویش می‌شوند. گمان کنیم آنان نیز مانند ما هنگام برخورد با این ارقام نجومی، با وجودی که آنها را از یک سند رسمی دولتی می‌خوانند، ته دلشان انباشته از ناباوری و تردید است. با شنیدن و یا خواندن ارقام بودجه، تقدیم‌کنندگان، تصویب‌کنندگان بودجه و نیز مردم کوچک بازار، دچار احساس کاذب «تریلیاردر بودن» می‌شوند.

اما، در واقع، این ارقام یا همه‌ی عظمتشان که به ناچار باید برای مشخص کردن آنها از واژه‌ی «تریلیون» یا «تریلیارده» یاری گیریم، زیاد هم بزرگ و با عظمت نیستند و در دنیای امروز، ارقام پیش‌با افتاده‌ای محسوب می‌شوند. علت هم این است که این رقمها مانند «لیر ترک» بیش از حد باد کرده‌اند و بنا در

اصطلاح اقتصاددانان و اصطلاح رایج بازار، دچار تورم شده‌اند.

در لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ کل کشور که روز چهارم آذر ماه سال جاری، برای تصویب در قالب ماده‌ی واحد، تقدیم مجلس شد، آمده است: «بودجه سال ۱۳۷۶ کل کشور از حیث درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار بالغ بر یکصد و هشتاد و هشت هزار و یکصد و چهل و نه میلیارد و نهصد و بیست و سه میلیون و یکصد و شصت و شش هزار (۱۸۸/۱۲۹/۹۲۳/۱۶۶/۰۰۰) ریال و از حیث هزینه‌ها و سایر پرداختها بالغ بر یکصد و هشتاد و هشت هزار و یکصد و چهل و نه میلیارد و نهصد و بیست و سه میلیون و یکصد و شصت و شش هزار (۱۸۸/۱۲۹/۹۲۳/۱۶۶/۰۰۰) ریال، بشرح زیر است...»

البته اگر بخواهیم رقم را درست بنویسیم، باید بگوئیم که رقم درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار، برابر است با یکصد و هشتاد و هشت تریلیارد و یکصد و چهل و نه میلیارد و نهصد و بیست و سه میلیون و یکصد و شصت و شش هزار ریال و...

حال به بینیم، واقعیت این رقم غول آسا، چیست و به زبان قابل فهم‌تر و قابل مقایسه، چقدر است؟ برای این که این رقم غول آسا را بهتر بشناسیم، در آغاز باید نظری به تطور آن در دوره‌ی ۲۰ ساله انداخت. جدول زیر ارقام بودجه‌ی کل کشور از سال ۱۳۵۵ به این سو را نشان می‌دهد.

سال	درآمد (ریال)	هزینه (ریال)	کسری (ریال)
۱۳۵۵	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۵۶	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۵۷	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۵۸	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۵۹	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۶۰	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۶۱	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۶۲	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۶۳	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۶۴	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۶۵	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۶۶	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۶۷	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۶۸	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۶۹	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۷۰	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۷۱	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۷۲	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۷۳	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۷۴	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۷۵	۱۰۰	۱۰۰	۰
۱۳۷۶	۱۰۰	۱۰۰	۰

پیشنهادی

مأخذ: سالنامه آماری کشور و منابع دیگر

حال بسینیم، واقعیت این رقمهای غول آسا چیست؟

برای این کار، باید همان هم مینانی که برای انجام کاری به کشور ترکیه رفته بودند و به محض ورود، احساس «میلیونر بودن» به آنان دست داده بود، به کشور سوئیس مسافرت کنند. آنان به محض پیاده شدن از هواپیمای، دچار بهت و حیرت می شوند. آنها خیلی زود درمی یابند با توجه به نرخ تبدیل ارز و پایه‌ی قیمت‌ها در سوئیس، با پولی که همراه دارند و در ترکیه صاحب ۱۰۵ میلیون لیر ترک بودند، تنها یکی دو روز می‌توانند در یک هتل معمولی اقامت کرده و دو سه وعده غذای فقیرانه بخورند و اگر بخت یارشان باشد و خیلی زود وسیله‌ای برای بازگشت به میهن بیابند، ناچار نخواهند بود در سرزمین غربت، دست پیش این و آن و یا به قول معروف «هرکس و ناکسی» دراز کنند. برای درک بهتر ارقام تریلیاردی بودجه و ارزش واقعی آن در گذشته و حال، باید ارقام مزبور را به یکی از ارزهای معتبر جهان تبدیل کنیم. در این زمینه بهتر است دلار آمریکا را برگزینیم، زیرا در گذشته نیز مانند امروز، بیشترین درآمدهای ارزی کشور از راه فروش نفت حاصل می‌شد و قیمت‌های نفت نیز بر پایه‌ی دلار آمریکا محاسبه می‌شود.

در سال ۱۳۵۵، ارزش برابری ریال به دلار آمریکا، هفتاد به یک، بود. یعنی بطور متوسط، هفتاد ریال با یک دلار آمریکا برابر بود. البته در بازار آزاد، دلار ۳-۴ از ریال کمتر از بانک ارزش داشت. این برابری امروز (هنگام نوشتن این مقاله) به ۴۹۰۰-۴۸۰۰ ریال رسیده است. در حالی که نرخ رسمی آن ۱۷۵۰ ریال و قیمت صادراتی آن ۳۰۰۰ ریال است. جدول زیر تطور برابری ریال را برابر دلار آمریکا در بازار آزاد، نشان می‌دهد (و چون عدد ۱۷۵۰ ریال فقط در عالم مفروضات وجود دارد لذا ما همان عدد ۳۰۰۰ ریال را ملاک مقایسه در جدول زیر قرار داده‌ایم).



که یک فیلم داستانی ویدئویی را به عقب برگردانیم، قهرمان ما که با تحمل شداید بسیار از کوه بالا رفته و پرچمی را بطور میثال بر قله‌ی «اورست» کوبیده دوباره به سر جای اول خود باز می‌گردد. بدین سان «تریلیاردیهای بودجه» نیز مانند مسافران ایرانی که در کشور ترکیه «میلیونر» شده بودند، با ورود به کشور سوئیس، «دست به دهان» می‌شوند. جدول زیر معادل دلاری بودجه کل کشور را در سالهای ۷۵-۱۳۵۵ بر پایه‌ی جدول شماره قبلی، نشان می‌دهد.

سال	مقدار دلاری
۱۳۵۵	۱۷۵۰
۱۳۵۶	۱۷۵۰
۱۳۵۷	۱۷۵۰
۱۳۵۸	۱۷۵۰
۱۳۵۹	۱۷۵۰
۱۳۶۰	۱۷۵۰
۱۳۶۱	۱۷۵۰
۱۳۶۲	۱۷۵۰
۱۳۶۳	۱۷۵۰
۱۳۶۴	۱۷۵۰
۱۳۶۵	۱۷۵۰
۱۳۶۶	۱۷۵۰
۱۳۶۷	۱۷۵۰
۱۳۶۸	۱۷۵۰
۱۳۶۹	۱۷۵۰
۱۳۷۰	۱۷۵۰
۱۳۷۱	۱۷۵۰
۱۳۷۲	۱۷۵۰
۱۳۷۳	۱۷۵۰
۱۳۷۴	۱۷۵۰
۱۳۷۵	۱۷۵۰
۱۳۷۶	۱۷۵۰
۱۳۷۷	۱۷۵۰
۱۳۷۸	۱۷۵۰
۱۳۷۹	۱۷۵۰
۱۳۸۰	۱۷۵۰
۱۳۸۱	۱۷۵۰
۱۳۸۲	۱۷۵۰
۱۳۸۳	۱۷۵۰
۱۳۸۴	۱۷۵۰
۱۳۸۵	۱۷۵۰
۱۳۸۶	۱۷۵۰
۱۳۸۷	۱۷۵۰
۱۳۸۸	۱۷۵۰
۱۳۸۹	۱۷۵۰
۱۳۹۰	۱۷۵۰
۱۳۹۱	۱۷۵۰
۱۳۹۲	۱۷۵۰
۱۳۹۳	۱۷۵۰
۱۳۹۴	۱۷۵۰
۱۳۹۵	۱۷۵۰
۱۳۹۶	۱۷۵۰
۱۳۹۷	۱۷۵۰
۱۳۹۸	۱۷۵۰
۱۳۹۹	۱۷۵۰
۱۴۰۰	۱۷۵۰

• در تبدیل از ارقام متوسط جدول لیلی استفاده شده است.

البته ما این نکته را هم در نظر داریم که سال ۱۳۵۵ جزو دوره‌ای است که به دوره افزایش شدید درآمدهای نفتی موسوم شده و دلارهای نفتی رقم بودجه ۴۲/۲۹ میلیارد دلاری را ممکن ساخته بود. اما باید این نکته را هم از یاد نبریم که در این فاصله ارزش دلار و قدرت خرید آن نیز کاهش یافته است. این کاهش به

سال	مقدار دلاری
۱۳۵۵	۱۷۵۰
۱۳۵۶	۱۷۵۰
۱۳۵۷	۱۷۵۰
۱۳۵۸	۱۷۵۰
۱۳۵۹	۱۷۵۰
۱۳۶۰	۱۷۵۰
۱۳۶۱	۱۷۵۰
۱۳۶۲	۱۷۵۰
۱۳۶۳	۱۷۵۰
۱۳۶۴	۱۷۵۰
۱۳۶۵	۱۷۵۰
۱۳۶۶	۱۷۵۰
۱۳۶۷	۱۷۵۰
۱۳۶۸	۱۷۵۰
۱۳۶۹	۱۷۵۰
۱۳۷۰	۱۷۵۰
۱۳۷۱	۱۷۵۰
۱۳۷۲	۱۷۵۰
۱۳۷۳	۱۷۵۰
۱۳۷۴	۱۷۵۰
۱۳۷۵	۱۷۵۰
۱۳۷۶	۱۷۵۰
۱۳۷۷	۱۷۵۰
۱۳۷۸	۱۷۵۰
۱۳۷۹	۱۷۵۰
۱۳۸۰	۱۷۵۰
۱۳۸۱	۱۷۵۰
۱۳۸۲	۱۷۵۰
۱۳۸۳	۱۷۵۰
۱۳۸۴	۱۷۵۰
۱۳۸۵	۱۷۵۰
۱۳۸۶	۱۷۵۰
۱۳۸۷	۱۷۵۰
۱۳۸۸	۱۷۵۰
۱۳۸۹	۱۷۵۰
۱۳۹۰	۱۷۵۰
۱۳۹۱	۱۷۵۰
۱۳۹۲	۱۷۵۰
۱۳۹۳	۱۷۵۰
۱۳۹۴	۱۷۵۰
۱۳۹۵	۱۷۵۰
۱۳۹۶	۱۷۵۰
۱۳۹۷	۱۷۵۰
۱۳۹۸	۱۷۵۰
۱۳۹۹	۱۷۵۰
۱۴۰۰	۱۷۵۰


حال هرگاه ارقام بودجه را به دلار تبدیل کنیم، ارزش واقعی آن بهتر آشکار می‌شود. درست مانند این

ویژه در مقابل دیگر ارزهای معتبر جهانی قابل توجه است.


بودجه باد کرده (متورم)

قدر واقعی بودجه و نیز دیگر ارقام نجومی که همه روزه در روزنامه‌ها می‌نویسند و از رسانه‌ها به گوش و چشم ما می‌رسد، هنگامی آشکار می‌شود که باد آن را خالی کنیم و به اصطلاح معروف «تورم» را از دل آن بیرون کشیم. برای این کار باید قیمت‌های جاری را به قیمت‌های ثابت، تبدیل کنیم. تنها ابزاری که در اختیارمان قرار دارد شاخص قیمت‌هاست که از سوی بانک مرکزی منتشر می‌شود. گرچه ارقام منتشره در زمینه‌ی افزایش قیمت کالا و خدمات، خیلی بیشتر از ارقام رسمی است و یکی از شاخص‌ها، قیمت ارز در بازار آزاد است، اما بناچار باید از همان بهره گرفت. در شاخص‌های قیمت که از سوی بانک مرکزی انتشار می‌یابد، سال پایه، سال ۱۳۶۹ در نظر گرفته شده است. بدین سان شاخص در سال ۱۳۶۹ برابر با ۱۰۰ است. بر پایه‌ی این شاخص، می‌توان قیمت‌های جاری را در سالهای گوناگون به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹ تبدیل کرد.

در سالنامه‌های آماری کشور که هر ساله از سوی مرکز آمار ایران منتشر می‌شود، برای بسیاری از داده‌های آماری، سال آغاز را سال ۱۳۵۵ برگزیده‌اند. از این رو، برای این که بتوان ارقام شاخص قیمت‌ها را بهتر لمس کرد، سال پایه از سوی نویسنده سال ۱۳۵۵ در نظر گرفته شده و با توجه به ارقام جدول‌های سالنامه آماری، این محاسبه به عمل آمده است. جدول زیر تغییرات شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها را در نقاط شهری در سالهای ۷۵-۱۳۵۵ نشان می‌دهد.



والا (واتو)



دفتر خدمات مسافرتی و توریستی

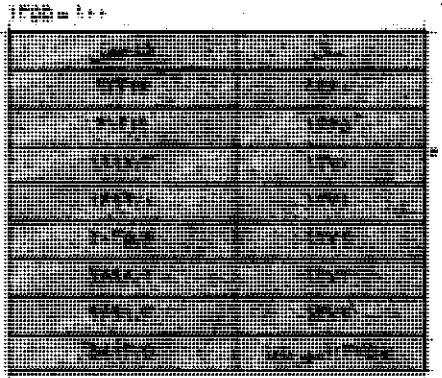
نمایندگی فروش بلیط کلیه پروازهای

داخلی و خارجی

نشانی: خیابان ولیعصر، نرسیده به تقاطع پارک وی، شماره ۱۳۲۲

تلفن: ۲۰۴۰۲۲۴ - ۲۰۴۴۳۳۱ - ۲۰۴۰۱۷۰

فاکس: ۲۰۴۶۱۸۳



پایان یافته است. کشور پیشرفت

• رقم مهرماه را می توان کمابیش به عنوان رقم میانگین سال پذیرفت

بدین سان، می بینیم که رقم شاخص عمده فرشی کالا که در سال ۱۳۵۵ برابر با ۱۰۰ بوده، در سال ۱۳۷۴ به رقم ۴۶۴۱/۳ و در مهرماه ۱۳۷۵ به رقم ۵۸۱۳/۵ افزایش یافته است.

حال در اولین گام، اگر بخواهیم «باز» بودجه را بخواهیم یا این که به اصطلاح علمی تر، «تورم» را از دل آن خارج کنیم، رقمهای جاری را بی باید با شاخص بالا به قیمت های ثابت بدل کرد. در این صورت مشاهده می شود که غول «آب می روده» رقمهای یادکرده بودجه در سال گذشته تا حدودی در شکل و شمایل واقعی خود ظاهر می شوند.

تورم دوم: بودجه‌ی «سر بار»

دومین تورمی که باید از بطن بودجه خارج شود، ارقام مربوط به شرکت های دولتی، بانک ها و مؤسسه های انتفاعی وابسته به دولت است.

بدنبال وقوع انقلاب اسلامی در بهمن ماه سال ۱۳۷۵ تقریباً تمامی صنایع بزرگ و متوسط کشور، تعداد زیادی از شرکت های ساختمانی، تأسیساتی، بازرگانی و... هم چنین تمامی بانک های غیردولتی و بیمه های خصوصی، از طریق مصادره، قوانین شورای انقلاب و... یا به صورت مستقیم به مالکیت دولت درآمدند و یا اینکه بدلیل مشکلات در پرداخت و... به مالکیت بانک هایی که خود به مالکیت دولت درآمده بودند، درآمدند.

رقم مربوط به این گونه صنایع، مؤسسات و شرکتها در بودجه ی سال ۱۳۷۴ کل کشور، از نظر درآمد و نیز هزینه، برابر است با یکصد و هفتاد و سه میلیارد و نهصد و پنجاه و نه میلیارد و نود و دو میلیون و پانصد و نود و شش هزار (۱۱۷/۹۵۹/۵۹۲/۵۹۶/۰۰۰) ریال. وجود این همه کارخانه، شرکت، بانک و بیمه در دست دولت که جز موارد معدود، هیچ توجهی برای اداره ی آنها از سوی

دولت وجود ندارد و در یک حسابرسی درست بر پایه ی اصول اقتصادی معلوم خواهد شد که غالب آنها یا زیان ده هستند و یا بهره وری آنها، بسیار پایین است، عکس واقعی تری از بودجه را نمایان می سازد. بدون این «سر بار» عظیم، بودجه کل کشور در قالبی قرار می گیرد که می توان آنچه را که دولت باید انجام دهد، بهتر مورد مشاهده قرار داد.

رقم واقعی، یعنی بودجه عمومی دولت عبارت است از هشتاد و یک میلیارد و دو صد و هشتاد و شش میلیارد و هشتصد و پنجاه و دو میلیون و چهارصد و هفتاد هزار (۸۱/۲۸۶/۸۵۲/۴۷۰/۰۰۰) ریال. این رقم، تنها ۲۳ درصد از ارقام بودجه را در بر می گیرد و بقیه، یعنی ۵۷ درصد آن مربوط به همان «سر بار» است.

اگر قبول کنیم که برخی از صنایع را بطور حتم باید دولت اداره کند، در آن صورت باز هم رقم بودجه کل کشور بیشتر از رقم ۹۴-۱۰۰ میلیارد ریال نخواهد بود.

البته باید توجه داشته باشیم که ۴۳ درصد بودجه، شامل همه ی هزینه های دولت از آموزش، بهداشت و دفاع گرفته تا تمامی هزینه های عمرانی و... می باشد. برای این که دید بهتری بر روی بودجه عمومی دولت (جاری و عمرانی) در قالب بودجه کل در سالهای اخیر داشته باشیم، به جدول زیر نگاه کنید. این جدول درصد بودجه عمومی دولت را نسبت به بودجه کل در سالهای ۷۵-۱۳۵۵ (بر اساس مصوب اول)، نشان می دهد.

• رقم در سالنامه داده نشده است.

منبع: سالنامه آماری کشور ۱۳۷۳ و قوانین بودجه های ۷۵ و ۷۴ از آنجا که بسیاری ارقام در بودجه «دوباره» منظور می شوند، از این رو ارقام جدول بالا با چند درصد بالا و پایین، معتبرند. بطور مثال ارقام دوباره منظور شده در قانون بودجه سال ۱۳۷۵ کل کشور، به شرح زیر است. بودجه کل برابر است با مبلغ ۱۳۷۲۲۲/۶ میلیارد ریال. بودجه عمومی دولت مبلغ ۶۱۱۲۳/۸ میلیارد

ریال و بودجه شرکت های دولتی مبلغ ۸۹۰۷۸/۶ میلیارد ریال. جمع بودجه عمومی و شرکت های دولتی... مساویست با ۱۵۰۲۰۲/۴ میلیارد ریال که مبلغ ۱۲۹۵۹/۸ میلیارد ریال بیشتر از بودجه ی کل کشور است. رقم ۱۲۹۵۹/۸ میلیارد ریال یا معادل ۹/۴ درصد کل بودجه، مربوط به ارقامی است که دوباره منظور شده اند.

بر سر سفره چند نفر نشسته اند؟

سال ۱۳۵۵ موعده دهالهی سرشماری عمومی نفوس و مسکن بود و بر پایه ی سرشماری مزبور، جمعیت کشور ۳۳۷۰۸۷۴۴ (سی و سه میلیون و هفتصد و هشت هزار و هفتصد و چهل و چهار)، تن بودند. به ترتیبی که در سالهای بعد جمعیت کشور افزایش یافت، بر تعداد مالیات دهندگان نیز افزوده شد و هم چنین تعداد کسانی نیز که بر سر سفره ی بودجه عمومی دولت نشستند بیشتر شد. کودکان بیشتری به مدرسه باید بروند، بر عده دانشجویان افزوده شده، نیاز به تخت های بیمارستانی بیشتری وجود دارد و طرح های عمرانی زیادتری هر ساله باید اجرا شود.

بدینسان جمعیت کشور از ۳۳۷ میلیون تن در سال ۱۳۵۵ به ۴۹/۴ میلیون تن در سال ۱۳۶۵ و ۵۵/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۷۰ رسید. پیش بینی می شود که در سرشماری نفوس و مسکن که در آبانماه سال جاری انجام شد، جمعیت کشور به بیش از ۶۰ میلیون نفر برسد.

با این حساب در عرض بیست سال گذشت کما بیش ۲۷ میلیون نفر یا چیزی حدود ۸۰ درصد، بر جمعیت کشور افزوده شده است.

بدینسان، این تورم را نیز باید از دل بودجه خارج کرد، تا به ارقام قابل بحث و واقعی تر برسیم.

«بار آبیگنه» و چوبی دگر

سخن که بدین جا رسید، بی اختیار یاد آن مرد و «بار آبیگنه» افتادم. در یکی از کتابهای ابتدایی آن دوران، این داستان را از زبان سعیدی شیراز می خواندیم: مردی با باری از آبیگنه بر پشت استری به دروازه ی شهری رسید. دروازه بان، با چون دست خود محکم بر کالای آن مرد کوبید و پرسید، چه داری؟ مرد گفت: ... اگر چوب دگر زنی، هیچ دازم.

بدینسان گمان می کنم بهتر است که به سخن پایان دهیم، زیرا اگر چوب دیگری بر سر «بودجه» فرود آوریم، بیم آن می رود که به سر نوشت آن «بار آبیگنه» دچار شود.